



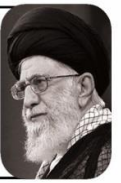
این ماه مبارک رمضان با آن همه برکتی که دارد، ما نمی‌توانیم از عهده شکر بیکسای برآیم ولی باید کوشش کنیم که در این ماه ماه مبارک رمضان که بر ما گذشت، اگر حالی پیدا شد، این حال را تا ماه رمضان دیگر نگذاریم و اگر حالی پیدا نشد، متأسف باشیم و کوشش کنیم که پیدا کنیم.

۱۳۶۷/۱۲/۲۹



ماه رمضان در هر سال، قطعه‌ای از بهشت است که خدا در جهنم سوزان دنیای مادی ما، آن را وارد می‌کند و به ما فرصت می‌دهد که خودمان را بر سر این سفره الهی در این ماه، وارد بهشت کنیم.

رمضان ۱۳۷۲



گاندنامه علمی انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز *** نیمه اول اردیبهشت ۱۴۰۱ (ماه رمضان) *** شماره ۲

سخن سردبیر

بسم رب الکریم العظیم القدیر

دعوت شده‌ایم...

دعوت شده‌ایم به یک میهمانی عظیم و یک میزبان میهمان‌نواز هوایمان را دارد. همان که در وصفش آیه‌های نور می‌گویند: {ایس کمله شی}. نه مانند چیزی است و نه چیزی مانند اوست. نه مهربانی‌اش حد دارد و نه میزبانی‌اش، نه قدرتش انتها دارد و نه عظمتش، نه کرشم کرانه دارد و نه بخشایشش. همان {الله صمد} که در میهمانی‌اش راه آسمان را برایمان گشوده است.

ماه میهمانی، میهمانی، میهمانی...

آسان که لغت به لغت جوینده حقایق رمضان را از «م-ض» دانسته‌اند و معنایش را «حرارت» آورده‌اند و به تفسیر قلم زده‌اند که میزبان در میهمانی‌اش عجیب و باحرارت گناهان بندگانش را می‌سوزاند. حال مگر می‌شود در برابر لطف چنین پروردگاری نیاز شایسته پرستشی خاموش بود و در علم کتاب سراسر نورش، به امید صید معانی ژرف غوطه‌ور نشد؟ قلم به دست شدیم که بر بستر کاغذ قطره‌ای از دریای بیکران قرآن را نقش زینم، باشد که مورد قبول میزبان ماه مهربانی افتد.

آنگاه که با قلم می‌شود قدمی برداشت و با نگاهش می‌شود مفید واقع شد کوتاهی چرا؟ از این جهت عزمان بر آن شد که در ذیل نام «فخر» برای دومین بار، از قرآن و حدیث بنویسیم و تقدیمتان کنیم. امید که شایسته‌ی نگاه پرمهرتان باشد. در پایان سخن عرض ارادت و تشکر داریم از اساتید و دانشجویان و پژوهشگرانی که در نگارش این شماره از نشریه همراهان بودند.



اگر بنده ارزش ماه رمضان را بداند، آرزو می‌کند که سراسر سال، رمضان باشد.

پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)

۲ جهاد تبیین در قرآن کریم

۲ اخلاق سیاسی در قرآن

۴ تربیت کودک (از منظر قرآن و علم روانشناسی)

۶ افتخار آفرینان حوزه پژوهشی

۶ چگونگی تبلیغ روزه داری

۷ علم اختصاصی احرار المؤمنین علیه السلام

و آموزش گناهان است و شیطان در این شب به غل و زنجیر کشیده شده و درهای آسمان برای مؤمنان باز می‌شوند.

از پیامبر (ص) روایت شده است: «هر کس شب قدر را احیا کند و مؤمن باشد و به روز جزا اعتقاد داشته باشد، همه گناهانش بخشیده می‌شود.»

منابع:

طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه اسلامی، ۱۳۶۳. ش. سید نزاد، رضی، «ساز خوانی و نگاهی دوباره به فضائل و ویژگی‌های شب قدر» در مجله پیام، شماره ۱۱۸، بهار ۱۳۹۵. ش.

شبی برتر از هزارماه

فاطمه بستانی
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

رمضان، بر اهمیت این شب‌ها، نزد شیعیان افزوده است و آنان در این شب‌ها در کنار اهتمام به اعمال مستحب مخصوص این شب‌ها، برای آن امام نیز سوگواری می‌کنند. در برخی از روایات آمده است که فاطمه (س) بی‌ش شب قدر است و هر کس فاطمه (س) را به صورت کامل بشناسد، شب قدر را درک کرده است.

نزول قرآن:

آیه اول سوره قدر و آیه سوم سوره دخان، بیانگر نزول قرآن در شب قدر است. محمد عبده معتقد است آغاز نزول تدریجی قرآن در ماه رمضان بوده است؛ اما بیشتر مفسران معتقدند در این شب، قرآن به صورت یکباره از لوح محفوظ به بیت المعمور یا قلب پیامبر (ص) نازل شده که به آن، نزول دفعی یا نزول اجمالی قرآن می‌گویند.

آمزش گناهان:

بنا بر منابع اسلامی، شب قدر شب ویژه رحمت الهی

شب قدر برترین و مهم ترین شب سال در فرهنگ اسلامی است. بنا بر روایتی از پیامبر (ص)، شب قدر از موهبت‌های خدا بر مسلمانان است و هیچ یک از امت‌های پیشین از این موهبت برخوردار نبوده‌اند. در قرآن کریم، سورهای کامل به توصیف و ستایش شب قدر اختصاص یافته و بدین نام (سوره قدر) خوانده شده است. در این سوره، ارزش شب قدر بیشتر از هزار ماه دانسته شده است. آیات یکم تا ششم سوره دخان نیز به اهمیت و رخدادهای شب قدر می‌پردازد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که بهترین ماه، رمضان است و قلب ماه رمضان، شب قدر است. همچنین از پیامبر (ص) نقل کرده اند که شب قدر، سرور شب هاست. بنا بر منابع روایی و فقهی، روزهای قدر نیز همانند شب‌های آن گرانقدر و با فضیلت اند وقوع برخی حوادث همانند ضربت خوردن امام علی (ع) در شب نوزدهم و شهادت او در شب بیست و یک

■ جهاد تبیین در قرآن کریم

محدثه کشاورزی
فارغ‌التحصیل رشته علوم قرآن و حدیث

اخلاق سیاسی در قرآن:

دکتر عبدالرسول هادیان

عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز



رهبر معظم انقلاب "جهاد تبیین" را یک فرضیه فوری عنوان می‌کنند بنابراین لازم است برای فهم بهتر و چگونگی عمل به این فرضیه واجب به قرآن کریم مراجعه کرده و تفسیر صحیح دو واژه «جهاد» و «تبیین» را استخراج نماییم.

(الف) «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۵۶)

در این آیه شریفه پیرامون جهاد تبیین می‌توان سه نکته را دریافت: ۱. ضرورت جهاد تبیین ۲. توضیح شیوه تبیین ۳. برکات جهاد تبیین:

۱. ضرورت جهاد تبیین: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» در پذیرش دین هیچ اکراه و اجباری نیست چرا که امور مهمی که خوبی و بدی و خیر و شر آنها واضح است، و حتی آثار سوء و آثار خیری هم که به دنبال دارند معلوم است، در چنین جایی نیازی به اکراه نخواهد بود، بلکه خود انسان یکی از دو طرف خیر و شر را انتخاب کرده و عاقبت آن را هم (چه خوب و چه بد) می‌پذیرد. اما امروزه تحریفات و دشمنان اسلام ایجاد کرده اند آنقدر بسیار است که یافتن حقیقت، خیر و شر، سهل نیست و تازمانی که عیاری برای تشخیص رشد از غی نداشته باشیم به حقیقت نمیرسیم. بنابراین اهمیت جهاد تبیین در این کارزار وارونه نمایی نمایان می‌شود.

۲. توضیح شیوه تبیین: ((قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ)) رشد یعنی رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر، غی یعنی انحراف از راه بطوری که همراه با نسیان و فراموشی هدف باشد. در این فراز از آیه شریفه تبیین

بصورت شفاف توضیح داده شده است. تبیین معیاری است برای تفکیک دو راه حق و باطل که به یکدیگر آمیخته اند. ناظر به این تعاریف آیا هر نوع تبیینی پذیرفتنی است؟ امروز جنگ، جنگ روایت‌هاست و هر آن کسی که تبیین کننده است باید خود را در میدان نبرد تبیین ببیند و جهادی عمل کند.

۳. برکات جهاد تبیین: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» ثمره‌ی جهاد تبیین روی برگرداندن از طاغوت و رهسپار شدن بسوی حقیقت هستی یعنی خداوند متعال است. تبیین گر همان همزه‌ی وصلی است که دل‌های آگاه و فطرت

های بیدار شده را به ریسمان الهی می‌رساند تا پیوندی ناگسستی بین ایشان و حقیقت برقرار گردد. (ب) ((وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)) جهاد در اسلام یا برای مبارزه با طاغوت‌ها و شکستن نظام‌های جباری است که اجازه تفکر را به ملت‌ها نمی‌دهند و یا برای محو شرک و خرافه‌پرستی است که در حقیقت یک بیماری است و سکوت در برابر آن، ظلم به انسانیت است. در بحث جهاد اولین شرط اخلاص است چرا که جهاد در راه خدا باید تنها برای رضای او باشد نه اینکه بخواهد دستاویزی شود برای رسیدن به منافع شخصی. در کارزار جهاد انسان گاهی باید از جانش بگذرد و گاه از دارایی‌هایش مثل وقت، فکر، ثروت و ...

وقتی فرمانی از جانب ولی جامعه صادر شود قشر جوان باید شانه‌های خود را زیر بار مسولیت ببرند و در هر جایگاه و تخصصی که هستند به تناسب خود را در مرکز میدان جهاد تبیین ببینند و هدفمند به تبیین بپردازند تا حربه‌های دشمن بی اثر شود.



سیاست از واژه‌هایی است که معنای روشنی نمی‌توان برای آن بیان کرد و هر کسی برای خود معنایی ذکر کرده است از این رو به نظر می‌رسد کسی که می‌خواهد وارد این موضوع بشود خودش باید مراد از آن را بیان کند. مراد از سیاست در اینجا یک نوع فعالیت در روابط اجتماعی است که با دولت و حکومت پیوند برقرار می‌کند و هم چنین رعایت مناسبات شهروندی می‌باشد. مراد از اخلاق ساسی آن اصول و آدابی است که در این روابط باید رعایت بشود. با توجه به اینکه در هر فرهنگ و مکتبی رعایت این اصول و اخلاق می‌تواند متفاوت باشد محور ما در این بحث براساس آموزه‌های دینی می‌باشد که سر چشمه آن در قرآن و سنت می‌باشد. مثال:

۱- شایسته سالاری: قرآن برای گزینش افراد به شغل‌ها و منصب‌ها، باید اصل شایسته سالاری در همه جا و برای همه ی افراد حکم فرما باشد، و شایستگی افراد نیز براساس تعهد اخلاقی، و میزان تخصص او در این کار است. شاهد قرآنی آن را در چند آیه می‌توان پیدا کرد. مثلاً: وقتی دختر شعیب از پدرش درخواست اجیر کردن حضرت موسی را دارد به دو ویژگی قدرت و امانت او استدلال می‌کند، و می‌گوید:

«يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (القصص : ۲۶) هم چنین کارگزار حضرت سلیمان که می‌خواهد تخت ملکه سبا را برای او بیاورد، او نیز قدرت و امانت خود را به رخ می‌کشد، و می‌گوید:

«قَالَ عِفْرِيثُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (النمل : ۳۹) حضرت یوسف نیز زمانی که به پادشاه مصر پیشنهاد کرد که او را بر گنجینه‌های سرزمین مصر بگمارد و اختیار همه خزانه‌ها و انبارهای مصر با او باشد، علت شایستگی خود را این گونه اظهار کرد که من نگاهبان دانا هستم، یعنی هم این خزانه‌ها و انبارها را حفظ می‌کنم و هم دانش لازم برای استفاده بهینه از این امکانات را دارم.

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف : ۵۵) بنابراین شرط احراز مسولیت برای زمامداران را تعهد و تخصص می‌داند. از سوی دیگر وقتی بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی نیز از پیامبر زمان خود می‌خواهند که برای آن‌ها فرمانده جنگ معرفی کند، آن پیامبر طالبوت را معرفی کرد. آن‌ها دو ایراد گرفتند، یکی این که ما به خاطر اصل و نسب خود به این امر سزاوارتریم، دیگر این که او از ثروت فراوان بهره‌ای ندارد. اما پیامبرشان پاسخ داد که خداوند او را در میان همه شما غریب کرده و او را بر شما برگزیده، و هم چنین مهارت‌های لازم و فنون نظامی را داراست، و از نیروی جسمانی برای این کار نیز بهره مند است:

«قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَرَادَهُ بَسْطَةَ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (البقره : ۲۴۷)

فرمانده جنگ باید در تعهد و پاکی از میان مردم غریب شده باشد، چون جان و مال و آبروی مردم به دست اوست، و باید توان علمی و جسمی را نیز دارا باشد. بنابراین در تمام شؤون، تعهد و تخصص دو اصلی است که باید رعایت شود؛ البته به تناسب نوع کار و مسؤولیت مصداق آن تفاوت پیدا می‌کند. بدین معنا که در تعهد به امانتداری توجه کنیم و در تخصص، در مواردی نیروی کاری می‌خواهیم به قدرت و توانایی جسمی اهمیت داده شود، و در مناصب و مسؤولیت‌ها به توان مدیریتی و آگاهی بها داده شود، و در مناسب مهم‌تری همچون امور نظامی، هم توان جسمی و هم آگاهی از فنون نظامی لازم است.

ادامه دارد...

سیره امام حسن (ع) از منظر آیات و روایات

فاطمه زارعی
کارشناسی ارشد علوم قرآنی

حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) مشهور به امام حسن مجتبی علیه السلام

نیمه ماه رمضان بود که خانه علی (ع) و فاطمه (س) به برکت تولد کودکی با فضیلت عطرآگین شد. پدر ایشان امام علی علیه السلام و مادرشان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دخت نبی مکرم اسلام است.

بنابر گزارش‌های تاریخی، نام «حسن» را پیامبر (ص) برای او برگزید و او را بسیار دوست داشت. او هفت سال از عمر خود را با پیامبر (ص) همراه بود و در بیعت رضوان و ماجرای مباحله با مسیحیان نجران حضور داشت. امام حسن مجتبی علیه السلام به مدت هفت ماه خلیفه مسلمانان بود. او در مدینه مرجعیت علمی را بر عهده داشت و بنابر برخی گزارش‌ها از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بود. امام حسن (ع) در سن ۲۷ سالگی بعد از به شهادت رسیدن پدر بزرگوارش به امر خدا و بنابر وصیت پدر به امامت رسید و اداره امور مسلمانان را بر عهده گرفت. ایشان نیز مانند پدر بزرگوارش عدالت را سرلوحه کارهای خود قرار داده بود و دفاع از مظلومان از اهداف ایشان بود. بعد از شهادت امام علی (ع) مردم برای بیعت با امام حسن (ع) روی آوردند. اما مدتی نگذشت که دسته دسته از همین افراد فریب خوردند و به بیعت خود پشت پا زدند. درهمین زمان بود که دشمنی معاویه آشکارا خود را نشان داد؛ و ماجرای صلح با امام پیش آمد.

در رابطه با اخلاق امام حسن (ع) او را مانند جد بزرگوارش توصیف کرده‌اند. از لحاظ کمالات انسانی این امام به مانند پدر و جد بزرگوارش نمونه بود. در سرشت امام نشانه‌های بزرگی و انسانیت موج می‌زد. با تمام شان و منزلتی که برای ایشان نقل شده نهایت تواضع را نیز داشتند. ایشان شبیه‌ترین مردم به رسول خدا (ص) در خلق و خوی بود.

حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده است که خطاب به امام حسن (ع) فرموده اند: «ای حسن، تو از جهت آفرینش (صورت) و اخلاق (سیرت و رفتار) شبیه من هستی».

ایشان یکی از اصحاب کساء می باشند که آبه تطهیر در شان ایشان نازل شده است. آیه ۳۳ سوره احزاب، آیه‌ای است که در شأن اهل بیت (علیهم السلام) از جمله امام حسن مجتبی (علیه السلام) نازل شده است. { اِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

طبق یک تقسیم بندی، گستره علم اخلاق اسلامی، بر حوزه‌های اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی مشتمل است. ما نیز به منظور دست یابی به سیره اخلاقی امام حسن (ع)، این دو سطح را به طور جداگانه بررسی می کنیم. ۱- اخلاق فردی: منظور از اخلاق فردی، فضایل و رذایل مربوط به حیات فردی انسان است و او را فارغ از رابطه‌اش با دیگران در نظر می گیرد. از جمله فضایل بی شماری که امام دوم شیعیان در بُعد اخلاق فردی بدان ها متصف بودند،



می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: • زهد و ساده زیستی: زهد از مفاهیمی است که در فرهنگ و اخلاق اسلامی بسیار آن را ستوده‌اند و معصومان (علیهم السلام) آن را روش و اخلاق همه پیامبران، کلید هر خیر، موجب درک شیرینی ایمان و راه به دست آوردن حکمت معرفی کرده‌اند.

آن حضرت در سیره عملی، همواره ساده و بی آرایش می زیستند و از پرداختن به مادی گرایی و تجمل و جمع آوری ثروت به شدت پرهیز داشتند و بدون هیچ دل بستگی به مال دنیا، به راحتی از آن چشم می پوشیدند. ایشان دو بار تمام ایشان اموال و دارایی‌های خود را در راه خدا انفاق کردند و سه بار هر آنچه در تملک خویش داشتند، به

أَهْلِ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا}؛ خداوند بزرگ اراده کرده است که رجس را از اهل بیت (علیهم السلام) دور گرداند و آنها را مَطَهَّر و پاکیزه بگرداند. رجس، هر نیت و گفتار و رفتاری که خداوند آن را نمی‌پسندد و دوست ندارد و موجب آلودگی انسان می‌شود. دور شدن رجس از اهل بیت (علیهم السلام)، از لباسشان گرفته تا همه رفتار و گفتار و سیره آنها.

با توجه به روایات متعدد، ایشان بسیار بخشنده و باگذشت بودند. امام حسن (ع) را کریم اهل بیت نام نهاده اند. بنابر حدیثی امام حسن (ع) از زبان اهل بیت عابدترین، زاهدترین و با فضیلت ترین مردم زمان خود بودند.

طور مساوی با فقرا قسمت نمودند.

۲- اخلاق اجتماعی

• عفو و گذشت

خداوند رحمان در آیات بسیاری از قرآن کریم، مؤمنان را به عفو کردن تشویق می‌کند و از ایشان می‌خواهد در روابط اجتماعی خود، بخشش را سرلوحه کارشان قرار دهند تا کدورت‌ها، سبب سردی روابط و ایجاد کینه و خشونت و تفرقه نگردد.

برخی از این نمونه‌های حیرت انگیز را در سیره امام مجتبی (ع) می‌توان یافت. روزی مردی به حضور ایشان آمد و گفت: «فلانی درباره شما چنین و چنان گفت (یعنی از شما بدگویی نمود)». امام پنهان فرمودند: «الْقِيَّتِي فِي تَعَبِ أَرِيْدُ الْآنَ أَنْ أَسْتَعْفِرَ اللهُ لِي وَ لَه»، «زحمت مرا زیاد کردی؛ الآن تصمیم گرفتم که برای خودم و او استغفار نمایم».

چنان که مشاهده می‌شود، حضرت از مرحله گذشت نیز بالاتر رفته، بدی را با نیکی پاسخ دادند؛ کاری که تحمل آن برای هر کس ممکن نیست و طبق فرمایش قرآن کریم، به این مرحله نمی‌رسند جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند و کسانی که بهره‌عظیمی از ایمان و تقوا دارند. (فصلت: ۲۵).

اوج گذشت امام حسن (ع) را در نحوه برخورد با قاتلش می‌توان مشاهده کرد. عمر بن اسحاق که پس از مسمومیت ایشان همراه امام حسین (ع) به منزل ایشان رفته بود، نقل می‌کند که امام حسین (ع) از حضرت پرسیدند: «چه کسی تو را زهر داد؟» ایشان پاسخ دادند: وَ مَا تُرِيدُ مِنْهُ أَنْ تُرِيدَ قَتْلَهُ إِنْ يَكُنْ هُوَ هُوَ قَالَ لَهُ أَشِدُّ نَقْمَةً مِنْكَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ هُوَ فَمَا أَحَبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِى بَرِي: از آن کس چه می‌خواهی؟ آیا می‌خواهی او را بکشی؟ اگر آن کسی باشد که من می‌دانم، خشم و عذاب خداوند بر او بیش از دوست و اگر او نباشد، من دوست ندارم بی‌گناهی به خاطر من گرفتار شود. نحوه برخورد حضرت در برابر ظلم عظیمی که در حقشان روا داشته شد، نشان از روح بزرگوار و بخشنده ایشان دارد که حتی راضی به مؤاخذه و انتقام از قاتل خویش نبودند و از حق خود برای مجازات او گذشتند.

منع: مقالات همایش سبط النبوی امام حسن مجتبی (ع)، موسوی، سمیه سادات.

اصول خوردن و آشامیدن در ماه مبارک رمضان

از دیدگاه طب سنتی - اسلامی | یاسین صالحی نژاد
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

در روایتی از حضرت پیامبر(ص) آمده که «صوموا تصحوا» یعنی روزه بگیرید تا تندرست بمانید حال سوال این است که چرا با بیان این نکته، در ماه مبارک و پس از آن، شاهد رشد چشمگیر برخی بیماری‌ها مانند دیابت یا فشار خون و مشکلات گوارشی هستیم؟ با بررسی موشکافانه در پاسخگویی به سوال فوق دو نکته یافت شد: نکته اول اینکه؛ اثر صحت‌بخشی روزه‌داری، ناظر به ذات آن است، به دیگر سخن، روزه‌گرفتن از آنجایی باعث سلامتی ما می‌شود که در رفتار غذایی و عادات و وعده‌های غذایی ما تغییرات مثبتی ایجاد می‌کند، یکی از این تغییرات، حذف وعده ناهار است، چرا که با حذف این وعده، بسیاری از بیماری‌ها از انسان دور می‌شود و در روایاتی از معصومین آمده که ایشان دو وعده غذایی را اصیل و درست ذکر می‌کردند، یکی وعده صبح، یکی شام امام جعفر صادق علیه السلام خطاب به فردی که از سوء هضم و درد معده شکایت داشت ضمن خواندن آیه ذیل فرمودند:

« فقط اول روز و اول شب به تغذیه پرداز و میان صبحانه و شام چیزی نخور که ما یهی فساد بدن است. مگر گفتهی خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» روزی انسان بامدادان و شامگاهان است» (مریم/۶۲) بنابراین بر خلاف عادت امروز که ناهار تبدیل به اصلی ترین وعده غذایی مردم شده است، در تغذیه اسلامی غذا خوردن در اواسط روز جایگاهی نداشته برای سلامتی مضر می‌باشد و باید به دو وعده غذا در شبانه روز اکتفا کرد.

نکته دوم: آثار منفی روزه داری، بخاطر ذات و ماهیت روزه‌داری نیست، بلکه بخاطر عواملی عرضی (خارجی) مانند عادات اشتباه غذایی است که برخی از ما به آن‌ها دچاریم و گرنه در مقالات و تحقیقات علمی، به چندین اثر مثبت روزه داری از جمله از بین بردن سلول‌های سرطانی و... اشاره شد.

آنچه در ماه مبارک باعث ایجاد یا تشدید برخی بیماری‌ها در بدن ما می‌شود، رعایت نکردن برخی اصول تغذیه است که آنها را به اختصار ذکر می‌کنیم، امیدواریم مورد توجه شما قرار گیرند و دقت داشته باشید، برخی اصول و آداب، صرفاً ناظر به ماه مبارک نیست، بلکه در سایر ماه‌ها، رعایت آنها الزامی به نظر می‌رسد.

توصیه می‌شود:

- وعده سحر ترک نشود، چراکه این کار موجب ایجاد ضعف جسمی در طول روز خواهد شد و در روایات بر اهمیت این وعده بسیار تأکید شده (لقمه الصباح مسمار البدن)
- برای حفظ رطوبت بدن در طول روز، در وعده سحر خود، بیشتر از غذاهای سرد مزاج استفاده کنید، مانند ماست، سالاد، یا هندوانه
- بهتر است در وعده سحر از غذاهای تند مانند فلفل و سیر و... و غذاهای پر چرب مانند کله‌پاچه و گوشت قرمز استفاده نکنید چرا که در طول روز تشنگی طاقت فرسایی را ایجاد می‌کند
- به طور کلی بلافاصله پس از هر وعده غذایی نباید آب نوشید، فلذا در صورتی که ناچار شدید و نیاز داشتید می‌توانید پس از سحری از یک نوشیدنی گرم مانند آب جوش ولرم یا چای به مقدار کم و نه زیاد بهره بگیرید
- افطار خود را با آب باز نکنید، در روایت است که هرگاه پیامبر می‌خواستند افطار کنند ابتدا دنبال حلوا می‌گشتند و اگر نبود به چند دانه‌ای خرما اکتفا می‌کردند، شما می‌توانید در صورت لزوم با آب جوشانده‌ای که ولرم شده و با چند عدد خرما افطار خود را باز کنید و یا از بعضی عرق‌ها مانند عرق نعنا یا بهار نارنج به صورت گرم شده استفاده کنید.
- در وعده افطار از غذاهای با مزاج گرم میل کنید تا اگر در بدن تولید صفرافرا، فرصت نوشیدن آب داشته باشید
- در وعده افطار، تناول آش‌ها و سوپ‌ها خصوصاً دارای سبزیجات گرم‌مزاج و حبوبات مقوی، به دلیل آبکی بودن در جهت رفع تشنگی پس از روزه داری بسیار کارساز است
- غذا را خوب بجوید و با آرامش غذا بخورید
- تا وقتی گرسنه نشدید سراغ غذا نروید
- (حدافل) تا یک ساعت بعد از خوردن غذا، دراز نکشید و نخوابید، چراکه موجب ایجاد امراضی چون ریفلاکس معده می‌شود.
- بلافاصله بعد از وعده سحری نخوابید و از استجاب بیدار ماندن در بین الطلوعین فیض ببرید و گفته شده است بیدار ماندن در این ساعات موجب طول عمر است «وَبِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ»؛ در سحرها به استغفار می‌پردازند (ذاریات، آیه ۱۸)

تربیت کودک از منظر قرآن و علم روانشناسی

رضا خادمی
کارشناسی علوم قرآن و حدیث



تربیت به معنای پروردن، نشو و نما دادن و زیاد کردن و از ماده «رَبَوُ» است که به معنای بالا رفتن، اوج گرفتن، افزودن و رشد کردن است. برخی گفته‌اند تربیت، از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن است.

اما تربیت در اصطلاح، کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او است. به عبارت دیگر، تربیت به فعلیت رساندن استعدادها، به کمال رساندن فرد مستعد کمال و نیز مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است.

تربیت از دیدگاه روانشناسی: روانشناسی کودک باعث شناخت مراحل رشد و خصوصیات رشدی، رفتاری کودک در هر سنی می‌شود. این علم، نحوه صحیح تربیت و رفتار با کودک در محیط خانه و خارج از آن را آموزش می‌دهد. مواردی نظیر فرزند پروری، اعتماد به نفس، خلاقیت و بصورت کلی تمام مسائل تربیتی و پرورشی مناسب کودک، اعتقاد ما بر این است که کودک بدون مساله وجود ندارد و این خانواده است که باید به نحو مطلوبی مسائل مربوط به آنها را حل کنند. روانشناسی کودک این مهارت را به والدین می‌دهد که کمتر احساساتی عمل کرده و به جای اینکه در موقعیت‌های مختلف واکنشگر باشند، سنجیده‌تر عمل کنند. والدین خوب مواردی نظیر انضباط، عشق و علاقه را با هم ترکیب می‌کنند و از روانشناسی کودک جهت تشخیص و بکارگیری بهترین راهکارها برای تربیت فرزندان خود استفاده می‌نمایند.

تربیت از دیدگاه قرآن و دین اسلام:

کودکان ارزشمندترین و ظریف‌ترین هدیه‌های هستند که خداوند به امانت به ما سپرده و ما را بر سرنوشت آنها حاکم کرده است و ما نیز وظیفه داریم که این بار مسئولیت را با مطلوب‌ترین روش‌ها به سر منزل مقصود برسانیم. لازمه تربیت صحیح کودک، یاری گرفتن از قرآن و احادیث و رعایت موازین اسلامی است. روش اسلام در تربیت کودک، محبت و پند و نصیحت توأم با مدارا و احتیاط است که باید در عین حال دلنشین و مؤثر باشد. بنابراین تنبیه و مجازات نخستین عامل تربیتی در اسلام نیست، بلکه ابزاری است که در صورت سودمند واقع نشدن رفق و محبت در ایجاد عادات خوب به کار می‌آید. در تربیت اسلامی زیادبروی دیده نمی‌شود و فقط از این راه می‌توان افرادی معتدل را تربیت کرد؛ به طوری که تمام قوای او اشباع و تعدیل شوند و جسم و روح و عقل، هماهنگ باشند. به یاد داشته باشیم که مقوله تربیت، فارغ از جنبه روحی و نفسانی آن، جنبه بدنی و عقلی را نیز شامل می‌شود و هر گاه این سه به موازات یکدیگر و به طور صحیح تربیت شوند، قطعاً انسان توانا و مستعدی را تقدیم جامعه بشری خواهیم کرد. خانواده، مدرسه و گروه‌های دینی عواملی هستند که صرف‌نظر از عوامل قهری همچون وارثت، بر روش و منش کودکان تأثیر به‌سزایی دارند. موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های مطلوب آن از زمان‌های بسیار دور مورد توجه بشر بوده و در تمام عصرها در زندگانی انسان اهمیت والاپی داشته است. منابع: چگونه با کودک رفتار کنیم (دکتر ولی سهامی)



سوره حمد و چند درنگ

استاد سید محمد مهدادی حسینی
دکترای ادبیات عرفانی



سوره حمد سر آغاز کتاب آسمانی قرآن و کلید ورود به پهنای اندیشه و ژرفای آیات خداوندی است.

حمد پرسامدترین سوره زندگی مسلمان است؛ چه از یک سو در زمینه‌ی خوانش قرآن و آیین قرائت در ذهن و زبان مسلمانان خوش نشسته است و از سوی دیگر و با نقشی پر رنگ‌تر در نماز و آیین عبادت، حضوری همیشگی و پرفروغ را رقم می‌زند و عبارت « لا صلوه الا بفتح الکتاب: هیچ نمازی بدون حمد کامل نیست» اهمیتی این سوره را باز برجسته‌تر می‌کند؛ از این رو با چند درنگ به ساختار سوره پرداخته می‌شود.

• درنگ نخست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾

به نام خداوند بسیار بخشنده‌ی همیشه بخشنده

این آغازینه‌ی پر طراوت که در فرهنگ اسلامی به آیه‌ی تسمیت نامبردار شده تنها در سوره‌ی حمد است که آیه‌ی نخست آن به شمار می‌رود و نه تنها سرآغاز نماز و ۱۱۳ سوره‌ی قرآن است بلکه کارکرد زبانی- رفتاری ویژه‌ای در آغاز همه‌ی کارهای دین باوران دارد.

هنگامی که از اسم، الله، الرَّحْمَنِ و الرَّحِيمِ در سرآغاز سوره یاد می‌شود زبان و در پی آن دل، در زمینه‌ی کلامی با دو ویژگی «بخشنده‌ی و بخشاینده‌ی» انس می‌گیرند که همه بازگو کننده‌ی «ستایش و سپاس» است. با درنگی دیگر در حوزوی زبانی از زمانی که نظامی گنجه‌ای بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را در قالب یک مصرع در مثنوی خود و در بحر سریع و وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» جای داد و تضمین کرد، آهنگین بودن این آیه بیشتر شناسایی شد و از آنجا که به گفته‌ی دکتر شفیع کدکنی: «زبان عاطفه، همیشه موزون است» لحن و آهنگ این عبارت «جان آشنا» بیشتر در زبان و ادب جلوه‌گری نمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ / هست کلید در گنج حکیم (مخزن الاسرار، ص ۲) و این نگاه ادب آمیز در شعر دیگر بزرگان از جمله جامی نیز

بدین شیوه رخ نمایان کرد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ / هست صلاى سر خوان کریم (تحفه الاحرار، ص ۴)

• درنگی دیگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲﴾ ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است. (۲)

در گام دوم، پیام آور وحی، حمد و سپاس را ویژه‌ی کردگاری می‌داند که «پرورنده‌ی جهانیان» است. بدین روی آشکار می‌شود که در این دو آیه بسیار بخشنده‌ی، همیشه بخشنده‌ی، پرورندگی، ویژگی‌های ارجمند دادار گیتی آفرین است؛ یعنی ستایش و سپاس هم‌دست و هم‌داستانند.

در پیوند با زمینه‌ی زبانی سوره‌ی حمد، سعد تفتازانی از دانشمندان و ادیبان نامی قرن هشتم در کتاب مختصر المعانی «حمد» را این گونه می‌شناساند: «الحمد هوالثناء باللسان على التعظيم سواء بالنعمه او بغيرها حمد ستایش زبانی است به انگیزه‌ی بزرگداشت؛ خواه در مقابل نعمت باشد یا غیر آن.»

حمد خداوند در سوره‌ی حمد نه تنها از این روی که محوریت نامگذاری هنری و هنر نامگذاری سوره است، دل نشان و پرارج است بلکه سپاسگزاری و ارج شناسی را با نام و نشان فضیلت اخلاقی می‌شناساند که برترین مقامش زبینه‌ی درگاه حضرت دوست و در پیوند با اوصاف اوست و در گستره‌ی انسانی، زیبایی رفتار قدرشناسی را یادآور می‌شود. به گفته‌ی مولوی:

بیا تا قدر یک دیگر بدانیم / که تا ناگه ز یک دیگر نمایم / چو مؤمن آینه‌ی مؤمن یقین شد / چرا با آینه ما روگرانیم / غرض‌ها تیره دارد دوستی را / غرض‌ها را چرا از دل نرانیم (دیوان شمس غزل ۱۵۳۶)

• درنگ سوم

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۳﴾ آن بسیار بخشنده‌ی همیشه بخشنده، (۳) در سومین آیه‌ی سوره‌ی حمد،

رحمانیت و رحیمیت آفریدگار دگر بار جلوه می‌کند اما این دو ویژگی دلنشین و امید بخش کردگار با نمایی دیگرگون دلربایی می‌کنند؛ چرا که با مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۴﴾ صاحب روز جزا همراه می‌شوند. غزالی در جواهر الکلام می‌نویسد: «بیان دوباره‌ی الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اشاره است مجدد به صفت رحمت الهی و مبدا که گمان بری این تکرار همان مطلب پیشین است. تکراری در قرآن نیست. تکرار جایی است که فایده‌ای افزون در بر نداشته باشد.» وی در ادامه‌ی این جستار رحمان و رحیم را از یک سو به آفرینش پروردگار عالمیان گره می‌زند و از نگاهی دیگر به آیه‌ی بعد خود یعنی مالک یوم الدین و درک معاد و رحمت اخروی کردگار پیوند می‌زند.

درنگ چهارم

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۵﴾ تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. (۵)

همچنانک إِيَّاكَ نَعْبُدُ در حنین / در بلا از غیر تو لا نَسْتَعِينُ هست این إِيَّاكَ نَعْبُدُ حصر را / لغت وان از پی نفی ربا هست إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ هم بهر حصر / حصر کرده استعانت را وقصر که عبادت مر تو را آریم و بس / طمع یاری هم ز تو داریم و بس (مثنوی، دفتر چهارم بیت ۲۹۲۹ تا ۲۹۳۲)

در این بیت صنعت التفات از ضمیر متکلم (م) به غایب (سعدی) مراعات شده است: بار غمت می‌کشم وز همه عالم خوشم / گر نکند التفات یا نکند احترام (کلیات سعدی، ص ۴۵۴)

در سوره‌ی حمد از آیه‌ی یک تا چهار توصیف پرودگار به گونه‌ی سوم شخص است اما از آیه‌ی پنج زاویه دید دگرگون می‌شود. تفتازانی درباره‌ی کاربرد التفات در

سوره‌ی حمد می‌نویسد:

«سوره‌ی حمد از آغاز به شیوه‌ی غایب است تا «ایاک نعبد» از

«ایاک نعبد» ناگهان سخن، شکل خطاب گرفته.»

• درنگ پنجم

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۶﴾ ما را به راه راست هدایت فرما. (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾ راه آنان که موهبتشان دادی، نه راه غضب شدگان و نه گمراهان. (۷)

در این آیه هدایت به راه راست مهم‌ترین خواسته و نیایش است که خدا بر لب رسول خویش و بندگانش می‌نشانند. درخواست راه نعمت یافتگان و دوری از راه غضب شدگان و گمراهان آخرین درخواست‌های مومنان برای هدایت و نیک فرجامی است.

روشنگری سوره‌ی حمد و صراط مستقیم در تشخیص حق شناسان و حق شناسان است. دکتر شاهرخ محمد بیگی در این باره می‌نویسد: «سوره‌ی حمد که جامع معارف قرآنی به صورت مجمل است که تفصیل آن را در کل قرآن می‌یابیم، نسبت به شناخت خودی از غیر خودی به ما معیار داده است. تشخیص آن بر این اساس است که خودی‌ها در صراط مستقیم و غیر خودی‌ها در غیر صراط مستقیم می‌باشند. مولوی که همیشه آموزه‌های قرآنی برایش ضلع زبانی و جدا ناپذیر هندسه‌ی کلامی اویند، عنصر زبانی «اهدنا» را این گونه ارزیابی می‌نماید:

از برای چاره‌ی این خوف‌ها / آمد اندر هر نمازی اهدنا / کین نمازم را میامیز ای خدا / با نماز ضالین واهل ربا (مثنوی، دفتر نخست، بیت ۳۳۹۱ و ۳۳۹۲).



چگونگی تبلیغ روزه داری توسط یک دانشجوی علوم قرآن و حدیث

خدیجه هدایت پناه

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی



أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (نحل/۴۴)

و قرآن را به سویت فرو فرستادیم تا برای مردم آنچه را به سویشان نازل شده توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.

وظیفه مبلغان دین همچون پیامبر شرح و بیان عالمانه احکام و معارف و کل مجموعه دین است. اگر این مهم به خوبی انجام پذیرد، جوانان با ذهن و فکر شفاف و فطرت سالم خویش، آن را دریافته و در جان خویش جای می‌دهند. ابوصلت هروی می‌گوید: از امام (رضاع) شنیدم که فرمود: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیا کند.» پرسیدم: چگونه؟ پاسخ داد: بَتَعَلَّمَ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا. علوم ما را فراگیرد و آنها را به مردم بیاموزد؛ مردم وقتی خوبیهای سخن ما را بدانند پیرو ما خواهند شد.

با توجه به پیشرفت فن آوری آموزش، روش‌ها و ابزار و راهبرد آموزشی، دستگاه‌های مربوط بایستی پایه‌های آموزش‌های مدرن، معارف دین را به نسل نو بیاموزند و خوشبختانه آموزه‌های دینی از چنان جاذبه‌هایی برخوردار است که اگر در

بستری صحیح انتقال یابد، بدون تردید مخاطب های خویش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بازخورد مناسبی خواهد داشت.

هر دانشجوی علوم قرآنی با توجه به دانش آموخته‌های خودش و ذکر آیات و احادیث در مورد روزه داری و آثار روزه داری می‌تواند مبلغ این امر باشد. از جمله آثار روزه داری :

- بهداشت تن و روان : در سخنان رسای امام رضا علیه‌السلام آمده است: لِيَكُونَ الصَّائِمُ خَاشِعًا ذَلِيلًا مُسْتَكِينًا مَأْجُورًا مُخْتَسِبًا عَارِفًا صَابِرًا لِمَا أَصَابَهُ مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَيَسْتَوْجِبَ الثَّوَابَ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْتِصَارِ عَنِ الشَّهَوَاتِ. روزه بدین سبب واجب شده تا روزه‌دار آدر پیشگاه خدا خاشع، درمانده بیچاره، با اجر و اخلاص و خدانشناس و شکیبا شود به سبب گرسنگی و تشنگی که تحمل می‌کند مستحق پاداش الهی گردد، افزون بر این، از خواهشهای نفسانی نیز کنده شود.

- خودسازی: امیر مؤمنان ضمن ستایش از تک تک عبادات، از روزه نیز چنین یاد می‌کند:... وَ مُجَاهِدَةٌ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَقْرُوضَاتِ تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ وَ تَخْشِيعًا لِأَنْصَارِهِمْ وَ تَذَلِيلًا لِنَفْسِهِمْ وَ تَخْفِظًا لِقُلُوبِهِمْ وَ إِذْهَابًا لِلْخِيَلِ عَنْهُمْ... اخداوند بندگانش را با مجاهدت روزه گرفتن در روزهای واجب امه رمضان حراست فرموده تا اعضا و جوارحشان آرام و چشمه‌هایشان خاشع و جانهایشان رام و دل‌هایشان افتادگی آموزد و سرکشی آنان فروکش کند.

بر اثر این جهاد اکبر، بهترین نوع سیر و سلوک در راه نزدیک شدن به خدای متعال رخ می‌نماید و مؤمن روزه‌دار شایستگی حضور در ضیافت الهی را پیدا می‌کند.

- حضور در ضیافت الله: امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: روزی پیامبر بر ایمنان خطبه خواند و ضمن آن

فرمود: هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ وَ جِعَلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ. ماه رمضان ماهی است که شما در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و مشمول گرامیداشت خدا گردیده‌اید.

- درجات عالی: امام (رضاع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْخَسَنَاتِ وَ يُمْحَوُ فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَ يَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ. به یقین، ماه رمضان، ماهی بس بزرگ است؛ خداوند در این ماه، خوبی‌ها را افزون و بدیها را نابود و درجات را رفیع می‌کند

- رهایی از دوزخ: امام صادق علیه‌السلام فرمود: الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ؛ روزه، سیر آتش دوزخ است. بنابراین هر انسان دین داری با توجه معلومات و تشویق جوانان به روزه داری و صحبت از نتایج روزه داری و تاثیر مثبت آن بر روح و جسم می‌تواند به نوبه‌ی خود تاثیرات مثبتی روی دیگران داشته باشد.



افتخار آفرینان حوزه پژوهشی دانشکده علوم قرآنی شیراز

● زهرا محمدی زاده

عنوان مقاله: آفرینش زبانی قرآن در واژه «لتهلکة» و رابطه آن با معنای «انفاق»

سال انتشار مقاله: ۱۳۹۸

● زهرا ابراهیمی

عنوان مقاله: واژه های جانشین واژه تربیت در قرآن کریم

سال انتشار مقاله: ۱۳۹۸

● خانم ملیحه ساسانی

عنوان مقاله: واژه بی مبالاتی نسبت به وعده معاد از منظر قرآن و روایات

سال انتشار مقاله: ۱۳۹۷

● خانم طاهره کوهکن

عنوان مقاله: نهادینه سازی بر اساس سیر نزول آیات

سال انتشار مقاله: ۱۳۹۸

● خانم شهربانو قنبری

عنوان مقاله: دیدگاه انتقادی علامه طباطبائی در لغت شناسی راغب اصفهانی مورد مطالعه سوره های مائده و انعام

سال انتشار مقاله: ۱۴۰۱

● آقای حمید فرحناکی بوشهری

عنوان مقاله اول: نقش دانش مفردات در تلاوت اقرایی

عنوان مقاله دوم: نگرشی بر ماهیت تغنی در تلاوت قرآن

سال انتشار مقاله: ۱۳۹۸



علم اختصاصی امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

نجمه امینی
کارشناسی ارشد علوم قرآنی

در تفسیر آیات قرآن باید توجه داشت علم و تسلط به زبان عربی کافی نیست؛ چه بسا مفسرینی که زبان مادری آنها عربی است ولی در تفسیر آیات با یکدیگر اختلاف دارند. برای تفسیر می‌بایست به منبعی مراجعه کرد که علم نسبت به آیات الهی را داشته باشد. منبع اصلی و حقیقی تفسیر آیات ائمه (علیهم السلام) هستند. مانند حدیث: «انا مدینه العلم و علی بابها». که به معنای آن نیست که اگر می‌خواهی به علم پیامبر (ص) دست پیدا کنی باید از در آن بگذری! باب در ادبیات قرآنی به معنای ابزار نیست بلکه به معنای اصل و ریشه می‌باشد.

از جمله آیاتی که دلالت بر وجود «علم» در کتاب» در سینه اهل بیت علیهم السلام دارد آیه ۴۳ سوره رعد است. در آیات مورد بحث، درباره کسی که تخت «ملکه سباء» را در کمترین مدت نزد سلیمان (علیه السلام) آورد، به عنوان «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ»: «کسی که بخشی از علم کتاب را دارا بود». تعبیر شده است، در حالی که در سوره رعد آیه ۴۳ در مورد پیامبر (صلی الله علیه وآله) و گواهان بر حقانیت او، چنین آمده است:

«قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»: «بگو کافی است برای گواهی میان من و شما، خداوند و کسی که در نزد او علم کتاب است».

در حدیثی از «ابو سعید خدری» از پیامبر (ص) چنین آمده است: ابو سعید می‌گوید: من از معنی «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» که در داستان سلیمان آمده از محضرش سؤال کردم، فرمود: او وصی برادرم سلیمان بن داود (علیه السلام) بود، عرض کردم «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» از چه کسی سخن می‌گوید؟

فرمود: «ذَاكَ أَحْيَىٰ عَلَيَّ بِنِ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ» «او برادرم علی بن ابیطالب است»
توجه به تفاوت «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» که «علم جزئی» را می‌گوید، و «عِلْمُ الْكِتَابِ» که «علم کلی» را بیان می‌کند، روشن می‌سازد: میان «آصف» و «امیرالمومنین» (علیه السلام) تا چه اندازه تفاوت بوده است.

لذا در روایات بسیاری می‌خوانیم: اسم اعظم الهی هفتاد و سه حرف است، یک حرف آن نزد «آصف بن برخیا» بود، و چنان خارق عادت‌ی را انجام داد، و نزد اهل بیت (علیهم السلام) هفتاد و دو حرف آن است، و یک حرف آن مخصوص به ذات پاک خدا است.

چند نکته در مورد دلالت این آیه:

۱- از حضرت امیر علیه السلام در کنار خداوند یاد شده است که بر حقانیت رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهد و نکته مهمتر اینکه اعلام شده این دو گواهی برای اثبات مدعا کافی است! این آیه از این جهت شبیه آیه ۴ سوره تحریم است که از حضرت امیرالمومنین علیه السلام با عنوان «صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» و در کنار نام خداوند و جبرئیل یاد شده که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر توطئه دو همسر آن حضرت، حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

۲- در این آیه، از حضرت امیرالمومنین علیه السلام به عنوان کسی یاد شده که علم کتاب به او داده شده است و از آن جا که بر اساس قاعده بلاغی، اضافه اسم نکره (علم) به اسم محلی به لام (الکتاب)، افاده عموم می‌کند، از این آیه استفاده می‌شود که علم همه کتاب به آن حضرت ارزانی شده است. درباره آنکه مراد از علم در این آیه چیست، اختلافاتی در میان مفسران به چشم می‌خورد، با این حال همه اذعان دارند که این علم از مقوله علوم ظاهری نیست، بلکه علمی است که آگاهی از اسرار عالم و توان تصرف در هستی، از جمله شئون آن است.

۳- اهمیت این آیه از آن جهت است که در سوره مبارکه نمل آیه ۴۰، از وصی سلیمان نبی علیه السلام یعنی آصف بن برخیا، به عنوان کسی یاد شده که دارای «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» است؛ یعنی او فقط دارای بخشی از دانش کتاب است (به دلیل تبعیضه بودن «مِنَ» ولی در عین حال توانست تخت بلقیس را از فاصله‌ای طولانی پیش از چشم برهم زدن سلیمان نبی علیه السلام نزد او حاضر سازد. پس اگر آصف بن برخیا با داشتن بخشی از دانش کتاب توانست تخت بلقیس را از آن راه دور حاضر نماید، مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» در آیه آخر سوره رعد باید کسی باشد که از علم به مراتب افزون‌تر برخوردار باشد.

منابع:

۱. مقاله نقد و بررسی دیدگاه مفسران اهل سنت در مراد از «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، فصلنامه تخصصی تحقیقات قرآنی و حدیثی/ سال اول/ شماره دوم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸
۲. سایت موعود، مقاله خلافت امام علی علیه السلام در آیه «علم الكتاب».



شناخته

صاحب امتیاز:

انجمن علمی علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآنی شیراز

مدیر مسئول:

محمدهادی مرادی

سر دبیر:

آرزو رضایی

طراح جلد و صفحه آرا:

فاطمه قراغانی

هیئت تحریریه:

دکتر عبدالرسول هادیان، دکتر سید محمدهادی حسینی، فاطمه بستانی، یاسین صالحی نژاد، خدیجه هدایت پناه، محدثه کشاورزی، فاطمه زارعی، نجمه امینی، رضا خادمی

راه‌های ارتباطی:

(جهت ارسال انتقادات و پیشنهادهای شما مخاطبین گرامی)

۰۹۳۳۹۶۷۰۴۴۳

@elmi_shiraz

انجمن علمی علوم قرآن و حدیث